

Subject: From Military Pressure to Constitutional Resolution

April 19, 2026

Mr. President,

Recent developments once again confirm a critical reality: military pressure, while effective in shaping short-term outcomes, cannot produce a durable resolution to the Iranian question. It can alter behavior—but it cannot confer legitimacy.

In Iran, legitimacy is not a peripheral issue; it is the core issue. And it is rooted in the structure of the current constitution.

For 47 years, the Iranian people have demonstrated remarkable resilience and consistency in their demands. Their call has not been for foreign intervention or imposed leadership, but for a lawful and national mechanism to determine their future: the formation of a Constituent Assembly.

Without such a constitutional pathway, all external pressure—military, economic, or political—remains strategically incomplete. It may weaken a regime, but it cannot replace it with a legitimate and stable alternative. This is the gap that has prolonged the cycle of crisis.

The United States now faces a clear strategic choice: continue managing recurring escalations, or help define a path toward resolution.

That path is neither theoretical nor risky. It is grounded in a principle deeply aligned with American doctrine: that enduring stability emerges from the consent of the governed. Supporting the call for a Constituent Assembly does not require intervention—it requires recognition.

A clear and deliberate articulation of this position would fundamentally shift the dynamic: from confrontation to transition, from pressure to process, and from uncertainty to a defined constitutional outcome.

Without this shift, cycles of instability will persist. With it, a framework for a peaceful and legitimate transformation becomes possible.

At decisive moments, leadership is measured not only by the application of power, but by the clarity to direct it toward lasting solutions.

Respectfully,

Sohrab ChamanAra

[www.CyrusForce.org](http://www.CyrusForce.org)

موضوع: از فشار نظامی تا راه‌حل قانون اساسی

نوزدهم آوریل 2026

آقای رئیس‌جمهور،

تحولات اخیر بار دیگر یک واقعیت اساسی را تأیید می‌کند: فشار نظامی، هرچند در شکل دهی به نتایج کوتاه مدت مؤثر است، اما نمی‌تواند راه حلی پایدار برای مسئله ایران فراهم آورد. این فشار می‌تواند رفتارها را تغییر دهد — اما نمی‌تواند مشروعیت ایجاد کند.

در ایران، مشروعیت یک موضوع حاشیه‌ای نیست؛ بلکه مسئله اصلی است. و این مسئله، ریشه در ساختار قانون اساسی کنونی دارد.

طی ۴۷ سال گذشته، مردم ایران هم‌پایداری چشمگیری از خود نشان داده‌اند و هم‌ثبات در خواسته‌هایشان. مطالبه آنان نه مداخله خارجی بوده و نه تحمیل رهبری از بیرون، بلکه ایجاد یک ساز و کار ملی و قانونی برای تعیین سرنوشت خویش بوده است: تشکیل مجلس مؤسسان.

در غیاب چنین مسیر قانون اساسی، هرگونه فشار خارجی — نظامی، اقتصادی یا سیاسی — از نظر راهبردی ناقص باقی می‌ماند. این فشارها ممکن است یک رژیم را تضعیف کنند، اما نمی‌توانند جایگزینی مشروع و باثبات برای آن ایجاد نمایند. این همان خلأیی است که چرخه بحران را تداوم بخشیده است.

ایالات متحده اکنون با یک انتخاب راهبردی روشن روبه‌رو است: یا به مدیریت چرخه‌های مکرر تنش ادامه دهد، یا به تعریف مسیری برای حل و فصل نهایی کمک کند.

این مسیر نه نظری است و نه پرخطر. بلکه بر اصلی استوار است که عمیقاً با دکتورین آمریکا همسو است: اینکه ثبات پایدار از رضایت حکومت شوندگان ناشی می‌شود. حمایت از مطالبه تشکیل مجلس مؤسسان نیازمند مداخله نیست — بلکه نیازمند به رسمیت شناختن است.

بیان روشن و سنجیده این موضع می‌تواند به‌طور بنیادین معادله را تغییر دهد: از تقابل به گذار، از فشار به فرآیند، و از عدم قطعیت به یک نتیجه قانون اساسی مشخص.

بدون این تغییر، چرخه‌های بی‌ثباتی ادامه خواهد یافت. با آن، چارچوبی برای یک تحول مسالمت‌آمیز و مشروع فراهم می‌شود.

در لحظات سرنوشت ساز، رهبری نه تنها با اعمال قدرت، بلکه با توانایی هدایت آن به سوی راه‌حل‌های پایدار سنجیده می‌شود.

با احترام،

سهراب چمن‌آرا